

زندگی نامه سعدی



سعدی تخلص و شهرت «مشرف الدین»، مشهور به «شیخ سعدی» یا «شیخ شیراز» است.

درباره نام و نام پدر شاعر و هم چنین تاریخ تولد سعدی اختلاف بسیار است.

سال تولد او را از 571 تا 606 هجری قمری احتمال داده اند و تاریخ درگذشتش را هم سالهای 690 تا 695 نوشته اند.

سعدی در شیراز پای به هستی نهاد و هنوز کودکی بیش نبود که پدرش در گذشت.

آنچه مسلم است اغلب افراد خانواده وی اهل علم و دین و دانش بودند.

سعدی خود در این مورد می گوید:

همه قبیله ی من، عالمان دین بودند ----- مرا معلم عشق تو، شاعری آموخت

سعدی پس از تحصیل مقدمات علوم از شیراز به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تکمیل دانش خود پرداخت.

او در نظامیه بغداد که مهمترین مرکز علم و دانش آن زمان به حساب می آید در درس استادان معروفی چون سهروردی شرکت کرد.

سعدی پس از این دوره به حجاز، شام و سوریه رفت و در آخر راهی سفر حج شد.

او در شهرهای شام (سوریه امروزی) به سخنرانی هم می پرداخت ولی در همین حال، بر اثر این سفرها به تجربه و دانش خود نیز می افزود.

سعدی در روزگار سلطنت "اتابک ابوبکر بن سعد" به شیراز بازگشت و در همین ایام دو اثر جاودان بوستان و گلستان را آفرید و به نام «اتابک» و پسرش سعد بن ابوبکر کرد.

برخی معتقدند که او لقب سعدی را نیز از همین نام "سعد بن ابوبکر" گرفته است.

پس از از بین رفتن حکومت سلغریان، سعدی بار دیگر از شیراز خارج شد و به بغداد و حجاز رفت.

در بازگشت به شیراز، با آن که مورد احترام و تکریم بزرگان فارس بود، بنابر مشهور به خلوت پناه برد و مشغول ریاضت شد.

سعدی، شاعر جهاننیده، جهانگرد و سالک سرزمینهای دور و غریب بود؛ او خود را با تاجران ادویه و کالا و زئران اماکن مقدس همراه می کرد. از پادشاهان حکایتها شنیده و روزگار را با آنان به مدارا می گذراند.

سفاکی و سخاوتمندان را نیک می شناخت و گاه عطایشان را به لقایشان می بخشید. با عاشقان و پهلوانات و مدعیان و شیوخ و صوفیان و رندان به جبر و اختیار همنشین می شد و خامی روزگار جوانی را به تجربه سفرهای مکرر به پختگی دوران پیری پیوند می زد.

سفرهای سعدی تنها جستجوی تنوع، طلب دانش و آگاهی از رسوم و فرهنگهای مختلف نبود؛ بلکه هر سفر تجربه ای معنوی نیز به شمار می آمد.

سنت تصوف اسلامی همواره مبتنی بر سیر و سلوک عارف در جهان آفاق و انفس بود و سالک، مسافری است که باید در هر دو وادی، سیری داشته باشد؛ یعنی سفری در درون و سفری در بیرون.

وارد شدن سعدی به حلقه شیخ شهاب الدین سهروردی خود گواه این موضوع است.

ره آورد این سفرها برای شاعر، علاوه بر تجارب معنوی و دنیوی، انبوهی از روایت، قصه ها و مشاهدات بود که ریشه در واقعیت زندگی داشت؛ چنان که هر حکایت گلستان، پنجره ای رو به زندگی می گشاید و گویی هر عبارتش از پس هزاران تجربه و آزمایش به شیوه ای یقینی بیان می شود. گویی، هر حکایت پیش از آن که وابسته به دنیای تخیل و نظر باشد، حاصل دنیای تجارب عملی است.

شاید یکی از مهم ترین عوامل دلنشینی پندها و اندرزه های سعدی در میان عوام و خواص، وجه عینی بودن آنهاست. اگرچه لحن کلام و نحوه بیان هنرمندانه آنها نیز سهمی عمده در ماندگاری این نوع از آثارش دارد.

از سویی، بنا بر روایت خود سعدی، خلق آثار جاودانی همچون گلستان و بوستان در چند ماه، بیانگر این نکته است که این شاعر بزرگ از چه گنجینه ی دانایی، توانایی، تجارب اجتماعی و عرفانی و ادبی برخوردار بوده است.

آثار سعدی علاوه بر آن که عصاره و چکیده اندیشه ها و تأملات عرفانی و اجتماعی و تربیتی وی است، آینه خصایل و خلق و خوی و منش ملتی کهنسال است و از همین رو هیچ وقت شکوه و درخشش خود را از دست نخواهد داد.

ویژگی های آثار سعدی

آنچه که بیش از هر ویژگی دیگر آثار سعدی شهرت یافته است، "سهل و ممتنع" بودن است.

این صفت به این معنی است که اشعار و متون آثار سعدی در نظر اول "سهل" و ساده به نظر می رسند و کلمات سخت و نارسا ندارد.

در طول قرن های مختلف، همه ی خوانندگان به راحتی با این آثار ارتباط برقرار کرده اند.

اما آثار سعدی از جنبه ی دیگری، "ممتنع" هستند و کلمه ی "ممتنع" در اینجا یعنی دشوار و غیرقابل دسترس.

وقتی گفته می شود شعر سعدی "سهل و ممتنع" است یعنی در نگاه اول، هر کسی آثار او را به راحتی می فهمد ولی وقتی می خواهد چون او سخن بگوید می فهمد که این کار سخت و دشوار و هدفی دست نیافتنی است.

بعضی دیگر از ویژگی های آثار سعدی عبارتند از:

نکات دستوری

نکات دستوری در آثار سعدی به صریح ترین شکل ممکن رعایت شده است.

عنصر وزن و موسیقی، منجر به از بین رفتن یا پیش و پس شدن ساختار دستوری در جملات نمی شود و سعدی به ظریف ترین و طبیعی ترین حالت ممکن در لحن و زبان، با وجود تنگنای وزن، از عهده این کار برمی آید.

ای که گفتمی هیچ مشکل چون فراق یار نیست

گر امید وصل باشد، همچنان دشوار نیست

نوک مژگانم به سرخی بر بیاض روی زرد

قصه دل می نویسد حاجت گفتار نیست

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم
بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم
به وقت صبح قیامت، که سر زخاک برآرم
به گفتگوی تو خیزم، به جستجوی تو باشم
حدیث روضه نگویم، گل بهشت نبویم
جمال حور نجویم، دوان به سوی تو باشم

ایجاز

ایجاز یعنی خلاصه گویی و یا پیراستن شعر از کلمات زاید و اضافی.
دوری از عبارت پردازی های بیهوده ای که نه تنها نقش خاصی در ساختار کلی شعر بلکه از زیبایی کلام نیز می کاهند، در شعر و کلام سعدی نقش ویژه ای دارد.
از سویی این ایجاز که در نهایت زیبایی است، منجر به اغراق های ظریف تخیلی و تغزلی می شود و زبان شعر را از غنایی بیشتر برخوردار می کند.
در شعر سعدی هیچ کلمه ای بدون دلیل اضافه یا کم نمی شود.

گفتم آهن دلی کنم چندی
ندهم دل به هیچ دلبندی
به دلت کز دلم به در نکنم
سخت تر زین خواه سوگندی
ریش فرهاد بهترک می بود
گر نه شیرین نمک پراکندی
کاشکی خاک بودمی در راه
تا مگر سایه بر من افکندی ...

ایجاز سعدی، ایجاز میان تهی و سبک نیست، بلکه پراز اندیشه و درد است.

در دو حکایت زیر از "گلستان" به خوبی مشاهده می شود که سعدی چه اندازه از معنی را در چه مقدار از سخن می گنجاند:

حکایت: پادشاهی پارسایی را دید، گفت: «هیچت از ما یاد آید؟» گفت: «بلی، وقتی که خدا را فراموش می کنم.»

حکایت: یکی از ملوک بی انصاف، پارسایی را پرسید: «از عبادتها کدام فاضلتر است؟» گفت: «تو را خواب نیمروز، تا در آن یک نفس خلق را نیازاری.»

موسیقی

سعدی از موسیقی و عوامل موسیقی ساز در سبک و زبان اشعارش سود می جوید. وی اغلب از لوزان عروضی استفاده میکند.

از سعدی آثار گوناگونی به نظم و نثر موجود است که عبارتند از:

1- **بوستان یا سعدی نامه**، که در واقع اولین اثر اوست و در سال 655 تمام شده است. گویا سعدی آن را در ایام سفر خود سروده و هم چون ارمغانی در سال ورود خود به وطن بر دوستانش عرضه کرده است.

موضوع این کتاب که از عالی ترین آثار قلم توانای سعدی و یکی از شاهکارهای شعر فارسی است، اخلاق و تربیت و سیاست و اجتماعیات است.

این کتاب ده بخش دارد به نام های: **عدل، احسان، عشق، تواضع، رضا، ذکر، تربیت، شکر، توبه، مناجات و ختم کتاب**.

سعدی این کتاب را که حدود چهارهزار بیت دارد به نام اتابک ابوبکر بن سعد کرده است.

2- **گلستان**، شاهکار نویسندگی و بلاغت فارسی است که سعدی آن را در سال 656 تألیف کرده است.

3- **قصاید عربی**، که حدود هفتصد بیت می شود و شامل موضوعات غنایی و مدح و اندرز و مرثیه است.

4- **قصاید فارسی**، در ستایش پروردگار و مدح و اندرز و نصیحت بزرگان و پادشاهان معاصر سعدی است.

5- **مراثی**، شامل چند قصیده بلند در رثای مستعصم بالله -آخرین خلیفه عباسی که به فرمان هلاکو کشته شد- و نیز مرثیه هایی برای چند تن از اتابکان فارس و وزرای آن زمان است.

6- **ملمعات و مثلثات و ترجیعات**: که شمال اشعاری در قالب های خاص مانند **ترجیع بند** و ... است.

7- **غزلیات**، که خود شامل چهار بخش است؛ طبیات، بدایع، خواتیم و غزلیات قدیم.

8- **مجالس پنجگانه**، این کتاب به نثر است و در بردارنده ی خطابه ها و سخنرانی های سعدی است.

هر چند موضوع آن ارشاد و نصیحت است اما از لحاظ جوهر نویسندگی به پای گلستان نمی رسد.

9- **نصیحة الملوك**، در پند و اخلاق و چندین رساله ی دیگر به نثر در موضوعات گوناگون.

10- **صاحبیه**، که مجموعه چند **قطعه** فارسی و عربی است و بیشتر آنها در ستایش شمس الدین صاحب دیوان **جوینی** وزیر دانشمند دوست عصر اتابکان است و به همین دلیل آن را "صاحبیه" نامیده است.

11- **خبیثات**، مجموعه ای است از اشعار هزل آمیز، که هر چند اغلب آنها خوشایند نیست ولی چند **غزل** و **رباعی** دارد که نمونه ای از لطیفه های آن دوران هستند و از این جهت قابل بررسی اند.

مجموعه ی این آثار "کلیات سعدی" نامیده می شود. که تحت همین عنوان بارها بارها چاپ شده است.

نمونه آثار

نمونه ی شعر از "بوستان"

سگی پای صحرانشینی گزید
به خشمی که زهرش ز دندان چکید

شب از درد بیچاره خوابش نبرد
به خیل اندرش دختری بود خورد

پدر را جفا کرد و تندی نمود
که آخر تو را نیز دندان نبود؟

پس از گریه مرد پراگنده روز
بخندید کای مامک دلفروز

مرا گر چه هم سلطنت بود بیش
دریغ آمدم کام و دندان خویش

محالست اگر تیغ بر سر خورم
که دندان به پای سگ اندر برم

توان کرد با ناکسان بدرگی
ولیکن نباید ز مردم سگی

نمونه ای از غزل سعدی

شب عاشقان بی‌دل چه شبی دراز باشد

تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد

عجیبت اگر توانم که سفر کنم ز دستت

به کجا رود کبوتر که اسیر باز باشد

ز محبتت نخواهم که نظر کنم به رویت

که محب صادق آنست که پاکباز باشد

به کرشمه عنایت نگهی به سوی ما کن

که دعای دردمندان ز سر نیاز باشد

علاوه بر اوزان عروضی، شاعر به شیوه مؤثری از عوامل بهره می برد که هر کدام به نوعی موسیقی کلام او را افزایش می دهند؛ عواملی همچون انواع جناس، هم حروفیهای آشکار و پنهان، واج آرای، تکرار کلمات، تکیه های مناسب، موازنه های هماهنگ لفظی در ادبیات و لف و نشرهای مرتب و ...

استفاده از این عناصر به گونه ای هنرمندانه و زیرکانه صورت می گیرد که شنونده یا خواننده شعر او پیش از آن که متوجه صنایع به کار رفته در شعر او شود، جذب زیبایی و هماهنگی و لطافت آنها می شود.

در غزل زیر سعدی نهایت استفاده را از عوامل موسیقی زای زبان برده است، بی آن که سخنش رنگ تکلف و تصنع به خود بگیرد.

تکرارهای هنرمندانه ی کلمات، هم حروفی ها و وزن مناسب شعر و همچنین لحن عاطفی و تعزلی کلام سعدی را چون شربت شیرین و گوارا به جان خواننده می ریزد:

بگذار تا مقابل روی تو بگذریم

دزدیده در شمایل خوب تو بنگریم

شوق است در جدایی و جور است در نظر

هم جور به که طاقت شوقت نیاوریم

روی ار به روی ما نکنی حکم از آن تست

باز آ که روی در قدمانت بگستریم

ما را سری است با تو که گر خلق روزگار

دشمن شوند و سر برود، هم بر آن سریم

گفتی ز خاک بیشتر نه که از خاک کمتریم

ما با توایم و با تو نه ایم اینت بوالعجب

در حلقه ایم با تو و چون حلقه بر دریم

از دشمنان برند شکایت به دوستان

چون دوست دشمن است شکایت کجا بریم؟

طنز و ظرافت

طنز و ظرافت جایگاه ویژه ای در ساختار سبکی آثار سعدی دارد.

البته خاستگاه این طنز به نوع نگاه و تفکر این شاعر بزرگ بر می گردد. طنز سعدی، سرشار از روح حیات و سرزندگی است.

سعدی به یاری لحن طنز، خشکی را از کلام خود می گیرد و شور و حرکت را بدان باز می گرداند.

با همین طنز، تیغ کلامش را تیز و برنده و اثرگذار می کند.

طنز، نیش همراه با نوش است؛ زخمی در کنار مرهم. سالها بعد، لسان الغیب، حافظ شیرازی ابعاد عمیق دیگری به طنز شاعرانه بخشید و از آن در شعر خود استفاده ها برد:

با محتسب شهر بگوئید که زنهار

در مجلس ما سنگ مینداز که جام است

یا

کسان عتاب کندم که ترک عشق بگوی

به نقد اگر نکشد عشقم، این سخن بکشد